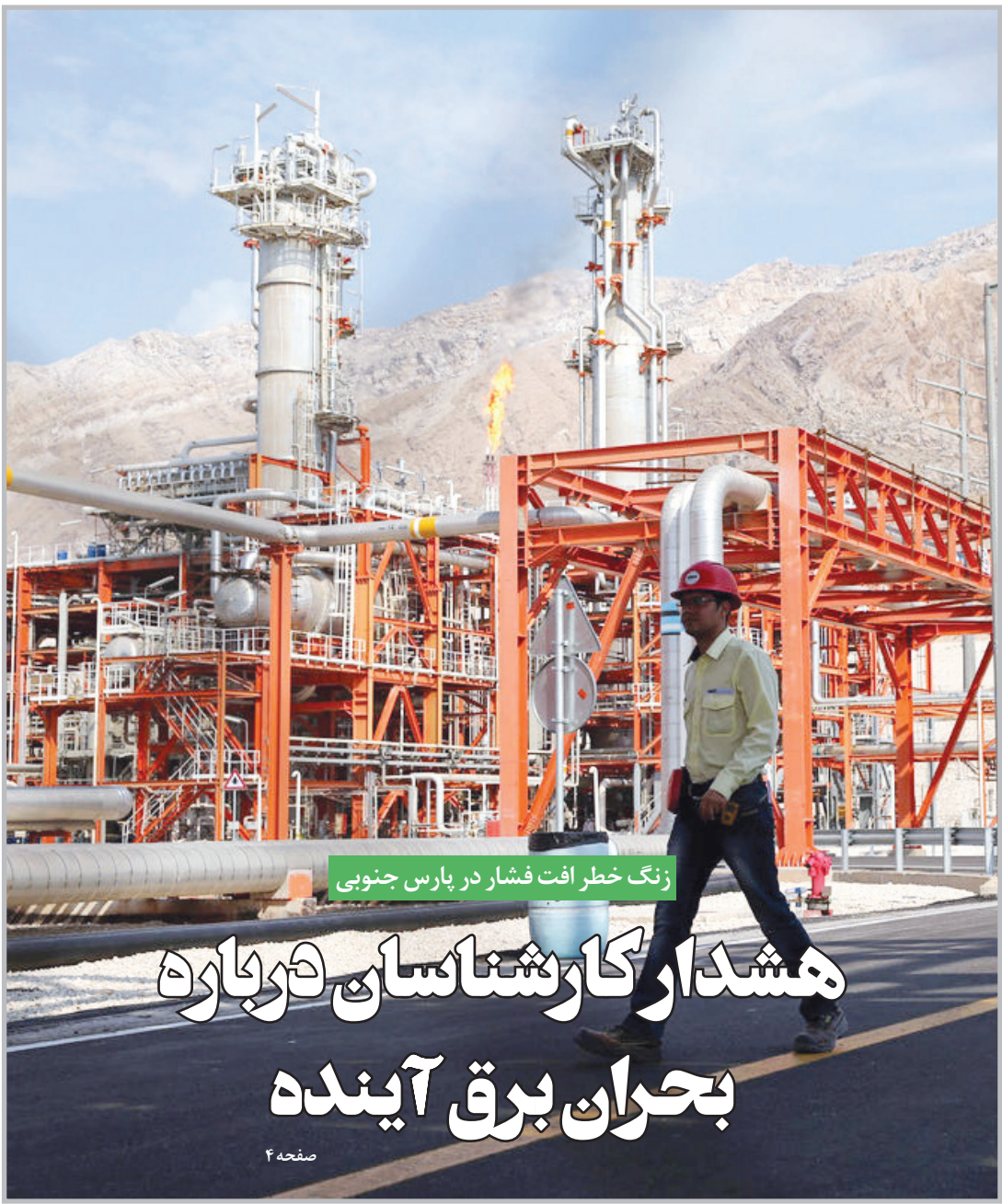


♦ سه‌شنبه ۲۱ مرداد ۱۴۰۴ ♦ شماره ۲۰۲۰ ♦ سال هشتم ♦ ۱۸ صفر ۱۴۴۷ ♦ ۱۲ آگوست ۲۰۲۵ ♦ ۸ صفحه ♦ ۱۰۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران



زنگ خطر افت فشار در پارس جنوبی

هشدار کارشناسان درباره

بحران برق آینده

صفحه ۴



جزئیات سفر لاریجانی به عراق و لبنان

از تدوین توافقنامه امنیتی تا توسعه

روابط تجاری

صفحه ۲

برندگان و بازندگان احتمالی «کریدور زنگزور»

پایه‌های لرزان «پل ترامپ»

نخجوان از طریق خاک ارمنستان وصل کند؛ مسیری که آذربایجان آن را «کریدور زنگزور» و ارمنستان «جاده سیونیک» می‌نامند. این موضوع نقطه اختلاف حساسی میان دو کشور است، به‌ویژه در شرایطی که منطقه قفقاز جنوبی طی سال‌های اخیر دستخوش تحولات زیاد شده است. آذربایجان در سال ۲۰۲۳ حمله‌ای سریع را برای تصرف قره‌باغ کوهستانی آغاز کرد و تسلط چند دهه‌ای نیروهای جدایی‌طلب مورد حمایت ارمنستان را پایان داد. این شکست، که پس از جنگ تلخ سال ۲۰۲۰ رخ داد، باعث شده ارمنستان پیوندهای خود با روسیه و ترکیه را بازنگری کند. تلاش ترامپ در این منطقه، هم به عنوان فرصتی برای نمایش توانایی‌های دیپلماتیک او و هم برای ثبت دستاوردی بین‌المللی مطرح شده است.

شرح در صفحه ۷

نگاهی به وضعیت نگران‌کننده سرانه تخت بیمارستانی در ایران	جهالت مانع اصلی پیشرفت در اقتصاد ایران	چرا استرس جنگ تمام نمی‌شود؟
از پروژہ‌های	سقوط نرخ ارز	زندگی
بلا تکلیف	با حذف تحریم‌ها	زیر سایه شوم
تا وعده وزیر	قطعی است	اضطراب
صفحه ۳	صفحه ۵	صفحه ۸

سخت نخست

نقش عشق بر بوم ایران؛ یاد استاد فرشچیان، نگهبان هنر و میهن

در سپیدهدم دیروز که آسمان فرهنگ و هنر ایران، ستاره‌ای از دست داد، قلب من نیز پاره‌ای از خویش را گم کرد. استاد محمود فرشچیان، نه تنها هنرمندی بی‌بدیل، که نغمه‌ای جاودان در ارکستر روح و ایمان این ملت و این مرز و بوم بود؛ نغمه‌ای که از دو سوی زندگی‌ام با من پیوند داشت: از روزهایی که در بنیاد شهید

پروژه مشترک به پایان رسیده و هنگام خداحافظی است. برخی والدین در این وضعیت حتی از نظر هویتی دچار بحرانی طاق‌ت‌فرسا می‌شوند: «اکنون من چه‌کاره هستم؟» یکی از دلایل دخالت والدین ایرانی در زندگی فرزندان حتی پس از ازدواج، به گمان من، شاید یافتن پاسخی برای همین پرسش ساده و پیش‌پاافتاده باشد.

ظهور فردیت به‌توقیف‌افتاده: پس از رفتن فرزندان از خانه، و در پی آن تنها شدن والدین، فکر و خیال به سراغ آنان می‌آید. برخی از والدین به کندوکاو و به زبان ساده‌تر؛ شخم‌زدن زندگی خود می‌پردازند چرا که در موقعیت جدید فرصت برای اندیشیدن به خویشتن بیشتر می‌شود. آنان سعی می‌کنند به این پرسش پاسخ دهند که «آیا من از زندگی در کنار او واقعاً خوشحال بودم یا برای دلخوشی و رضایت فرزندانم تظاهر به خوشحالی می‌کردم؟» برخی از آنان پاسخ مایوس‌کننده‌ای به این پرسش می‌دهند. احساس می‌کنند فردیتشان در پارت دوم زندگی (بودن در کنار شریک زندگی) ناپود شده است، در نتیجه تصمیمی سخت می‌گیرند. فردیتی که برای قوام و ثبات خانواده کنار گذاشته شده بود حالا مجال بروز می‌یابد و آرام‌آرام این احساس شکل می‌گیرد که جدایی به معنای رهایی است و باید فردیتی نو ساخت: «من خوشحال نبودم؛ ولی بعدازاین می‌خواهم آدم خوشحالی باشم».

تضعیف داغ ننگی به نام طلاق: بی‌گمان شما هم با من موافق هستید که طی یکی دو دهه اخیر بسیاری از خانواده‌های ایرانی دیگر طلاق را ننگ نمی‌دانند. نزد بسیاری از ایرانیان قیبح اجتماعی طلاق کم‌رنگ شده است

و این روزها طلاق به معنای آغاز زندگی جدید، و یا ترک زندگی نابسامان و ناشاد تلقی می‌شود. این اتفاق در نسل جدید زودتر رخ داد و حالا به نسل موسفیدان رسیده است. نکته قابل‌تأمل آنکه، برخی از والدین موسفید به اصرار فرزندان جوان خود جدا می‌شوند. گویا برای نسل جدید، ازدواج و زیستن در کنار دیگری، تجربه‌ای نه برای تمام عمر بلکه تنها برای پارت‌هایی از زندگی افراد است.

گسترش فرهنگ «خودت باش»: در سال‌های اخیر به‌وفور در شبکه‌های اجتماعی پیشنهاد انگیزشی «خودت باش» را می‌بینیم. به‌عمد از آن به عنوان فرهنگ یاد کردم چرا که این توصیهٔ کوتاه لایه‌های چندگانه‌ای دارد. برای مثال، یعنی خواسته‌هایت را در زندگی جدی بگیر، تلاش کن خوشحال باشی، تلاش کن تا می‌توانی حسرت زندگی نریسته‌ات را به حداقل برسانی، یعنی اصل و کانون: خودت هستی و در نهایت خودت باید مسئولیت زندگی‌ات را بپذیری. گسترش «فرهنگ خودت باش» زمینه‌ساعدرتری برای اتخاذ تصمیمی سخت در پارت سوم زندگی را فراهم می‌آورد. فرد به خودش اهمیت می‌دهد، فرد تلاش می‌کند تا جای ممکن مستقلانه تصمیم بگیرد و تصمیمش را عملی سازد چرا که ترجیح می‌دهد دیگر برای خودش و نه برای دیگران زندگی کند. در «فرهنگ خودت باش» همچنین این ایده شکل می‌گیرد که «همیشه می‌توان از نو شروع کرد». گسترش اشغال زنان: بیش‌ک استقلال مالی زنان زمینه‌ساز استقلال‌های دیگر در زندگی آنان است. کسب درآمد منظم، نگرانی‌ها برای عواقب ناشی از جدایی را کاهش می‌دهد و موجب افزایش اعتمادبه‌نفس زنان

بی‌تردید برای شما هم پیش‌آمده که در شبکه‌های اجتماعی عکسی از دو سالمند (اغلب از اجتماع روستایی) ببینید که متبسم و خوشحال به همدیگر محبت می‌ورزند. معمولاً در توضیح این‌چنین عکس‌هایی، از عشق و وفاداری در سنین بالا تجلیل، و در ادامه چند سطر ایموجی دست‌زدن و قلب قرمز در زیر عکس ردیف می‌شود.

این نوع عکس‌ها کم نیستند، ولی گویا در شهرها روند خزنده‌ای در حال افزایش است و آن؛ طلاق در بین افراد پایه‌سن‌گذاشته است. جامعه‌شناسان از این پدیده به‌عنوان طلاق با موهای سفید (gray divorce) یا طلاق با موهای نقره‌ای (silver divorce) نام می‌برند. جالب آنکه کلمه gray پیر و نامیدم هم معنی می‌دهد؛ ولی در اینجا بیشتر به موهایی اشاره دارد که با افزایش سن رو به سفیدی نهاده است. حالا کم‌کم متوجه می‌شویم که چرا در سوگندی که زوجها در برخی کشورها در مراسم ازدواجشان می‌خوانند کلمه «تا آخر عمر» یا «تا هنگام مرگ» وجود دارد. شواهد نشان می‌دهد هستند کسانی که در پارت (شاید) سوم عمرشان با گیسوان سپید و صورتی پرچین و چروک که شهادی بر گذر عمر است تصمیمی سخت می‌گیرند و از همراه زندگی خود جدا می‌شوند، من در ادامه سعی می‌کنم به چند عامل بپردازم که به گمانم در بیشتردن طلاق در سنین بالا نقش دارند.

گسترش شهرنشینی: ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی معتقد بود که «هوای شهر انسان را آزاد می‌کند». وقتی می‌گویم گسترش شهرنشینی بر وقوع طلاق در سن بالا تأثیر دارد مقصودم پیامدهای اجتماعی زندگی کردن در

یادداشت

کوچ سلبریتی ها از قاب رسانه ملی به فضای مجازی

این روزها فضای مجازی شاهد مصاحبه ها، کلیپ ها و برنامه هایی از سلبریتی هایی هستیم که عمدتاً در رسانه ملی به اسم ظرفیت های هنری چهره و شهره شدند؛ وام ها و دستمزدهای آنچنانی گرفتند؛ پر و بال گرفتند و به مدد قاب جادویی ره صدساله را چند ساله طی کردند.

اما امروز در خارج از حوزه سرزمینی ایران یا حتی در داخل کشور، در حال کسب درآمد های آنچنانی و تولید محتوی هایی هستند که اساساً تولید برخی از آنها در رسانه ملی ذنب لایغفر محسوب می شود.

در دهه های گذشته طرفداری از یک بازیکن، هنرپیشه، خواننده و ... که امروز سلبریتی نامیده می شوند تنها در حد چسباندن پوستر یا بریده روزنامه تصویر فرد مورد نظر در اتاق خواب، بغل در خودرو زیر یک لایه پلاستیک ضخیم و یا نهایتاً در کیف پول بود و خبری از سایت یا صفحه اختصاصی و امکان اظهار نظر و فرستادن قلب و

بوس و استیکر و... نبود!

سلبریتی هم تعریف و مختصات خاصی داشت و هر مجری، فوتبالیست یا هنرپیشه و خواننده ای صلاحیت حضور در رویاها و تخیلات هواداران را پیدا نمی کرد و افرادی که واقعاً در دنیای حرفه ای خودشان سرآمد بودند، به شهرت می رسیدند. اما امروز که فناوری تمام عرصه های دوست داشتنی را درنوردیده و رویاهای بسیاری را به واقعیت بدل ساخته است، دنیای طرفداری و سلبریتیم هم به کلی دگرگون شده است و علاوه بر افزایش تعداد سلبریتی های یک جامعه که بعضی ها جز داشتن ابروی پت و پهن یا زیبایی های حاصل از مصرف مواد آرایشی و اعمال جراحی سنگین هنر دیگری ندارند، مدل هواداری نیز تغییر پیدا کرده است و سلبریتی دیگر غیر دست یافتنی نیست و هوادار خودش را در نزدیکترین موقعیت به چهره محبوبش تصور می کند.

است!

اما این همه ماجرا نیست و سلبریتی ها نیز از نمد رنگی فناوری برای خودشان کلاه های رنگارنگ بافته اند و دیگر پشت قاب عینک های دودی و شیشه ای مات خودروهایشان هواداران را رصد نمی کنند. آنها از احساسات هواداران شان در بازی های سیاسی و غیر سیاسی، ایجاد ویو و لایک بهره می برند. گاه در قالب یک خواستگاری رسمی که با پاسخ ردشان، غریو شادی میلیون ها هوادار به آسمان بر می خیزد و گاه با نظریه پردازی و اظهار نظرات شاذ و بیراه که صدای کارشناسان و اساتید حوزه مورد اظهار

نظر نیز به آسمان بلند می شود.

سلبریتی امروز برای تمدید دوران شهرتش و قرار نگرفتن پشت دروازه های فراموشی، بازپیه ها و ابزارهای زیادی در دست دارد که عده ای هویت شان را با دکمه های کنترل



به‌قلم: فردین علیخواه

می‌گردد. این روزها شاهدیم که بسیاری از زنان خانه‌دار نیز اصرار دارند تا قسمتی از ملک و املاک خانواده به نام آنان ثبت شود. این‌چنین مواجهه‌ای با زندگی مشترک، ضمانتی برای زیستن در هنگام فقدان شوهر است. بازنشستگی و پیامدهای آن: یکی از آثار بازنشستگی، ماندن بیشتر در خانه و تجربه جدیدی از بودن بلندمدت در کنار یکدیگر است. ماندن در خانه، ارتباط و مواجهه را افزایش می‌دهد و زمینه تنش‌های احتمالی در روابط را بیشتر می‌نماید. به همین دلیل توصیه می‌شود که قبل از آنکه به بازنشستگی برسید برای آن دوران تدبیری ببینیدشید. مشکل برخی از زوجها آن است که پس از بازنشستگی، هر یک مسیر متفاوتی برای کار یا فراغت در پیش می‌گیرد و این امر فاصله بین آنان را بیش از پیش می‌نماید.

افزایش طول عمر: این روزها به‌ویژه با تحولات شگفت‌انگیزی که در حوزه دانش و فناوری در حال رخ‌دادن است شاهد افزایش طول عمر بشر هستیم. واقعیت آن است که اگرچه افزایش طول عمر خبری خوب برای جوامع است؛ ولی بی‌تردید پیامدهای اجتماعی در پی دارد. دراین‌خصوص می‌توان احتمال افزایش خستگی و ملال ناشی از زیستن بلندمدت در کنار هم را بررسی کرد. باتوجه‌به همه آنچه گفته شد برخی از زوجهای سفیدمو به دو شکل از همدیگر رها می‌شوند. گروهی از آنان با هم و در مجاورت هم‌اند ولی کاری با یکدیگر ندارند. آنان هستند؛ ولی در واقع نیستند. گروه دوم، تصمیم می‌گیرند با نماندن و رفتن، خود را از زیستنی رها کنند که به گمانشان ناشاد است.



به‌قلم: وحید حاج سعیدی

این بازیها گره زده اند و نمونه اش را در تصاویر خودکشی ها، سرم تراپی ها و خالکوبی ها و اعلام پوچی زندگی عده ای بعد از ازدواج هنرپیشه محبوب شان دیده ایم.

چه خوشمان بیاید یا نه امروز سلبریتی ها بخشی از واقعیت بی روتوش جامعه ما هستند که اهرم بسیاری از تحولات اجتماعی را در دست گرفته اند و خواستگاری و ازدواج شان (ولو صوری و کوتاه مدت)، مهاجرت شان، اظهار نظرات شان، نوع پوشش و رفتارشان و حتی مسخره بازی ها و شوخی هایشان در پیدایش یک تابلطم اجتماعی در فضای مجازی و به دنبال آن گاه در فضای حقیقی موثر است. تنی توان سلبریتی ها حذف کرد و یا از مردم خواست طرفدار سلبریتی نباشند، ولی می توان سلبریتی پروری را کنترل کرد و هر کسی را که چهار تا توپ گرفت یا دو تا گل زد؛ نه صدایی یا قیافه ای داشت؛ روی آنتن زنده تبلیغ نکرد؛ به هوش...